



درس آشنایی با رجال و درایه استاد سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: تحمل روایت

موضوع جزئی: طرق تحمل روایت - سماع

سال: چهارم

تاریخ: ۹ مهر ۱۳۹۲

مصادف با: ۲۴ ذی القعدة ۱۴۳۴

جلسه: ۲

«الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد وآله الطاهرين واللعن على اعدائهم اجمعين»

تحمل روایت:

یکی از مباحث مهم در علم رجال بحث از تحمل روایت است و بحث دیگری که در ادامه این بحث مطرح می‌شود بحث نقل روایت است، معلوم است هر روایتی که می‌خواهد نقل شود ابتدا باید اخذ شود، اخذ و تحمل روایت هم طرق و راه‌هایی دارد، در مقام اول بحث از طرق تحمل روایت مطرح می‌شود که راه‌های اخذ روایت چیست و اعتبار و جایگاه این طرق باید بررسی شود، سپس به بحث از نقل روایت خواهیم پرداخت که خود نقل روایت هم طرق مختلف دارد، یک جهتی که در مواجهه با روایات برای ما می‌تواند مهم باشد و در ارزیابی روایت تأثیرگذار است این است که ببینیم این روایت از چه طریقی نقل شده، لذا طریقی برای نقل روایت وجود دارد که بعضی از آنها قابل اعتماد نیست و بعضی دیگر قابل اعتماد است، شناخت این طرق که البته به کمک علائم و نشانه‌هایی صورت می‌گیرد مطلبی است که لازم است در این مجال مورد بررسی قرار گیرد.

مقام اول: طرق تحمل روایت

هشت طریق برای تحمل روایت ذکر شده که به آنها اشاره می‌کنیم و مباحثی که در این طرق دنبال می‌کنیم عبارتند از: تعریف و تبیین آن طریق، بررسی اعتبار آن طریق، بررسی اقسام آن طریق (اگر دارای اقسام باشد)، بررسی رتبه و جایگاه آن طریق در مقایسه با سایر طرق و نحوه حکایت راوی از آن طرق، یعنی گاهی نوع حکایت راوی، مبین کیفیت تحمل روایت است؛ مثلاً گاهی می‌گوید: «سمعتُ» و گاهی تعبیر دیگری به کار می‌برد.

طریق اول: سماع

سماع عبارت است از شنیدن حدیث از مشایخ، به این معنی که کسی حدیث را از خود شیخ بشنود که این ممکن است مباشرة باشد و ممکن است مع الواسطه باشد. در صورتی که حدیث مباشرةً از خود شیخ شنیده شود مثل اینکه فرض کنید شیخ روایت در مسجد روایت را می‌خواند و شخص با گوش خود روایت را از شیخ بشنود و در این جهت بین اینکه مستمع یک نفر باشد یا بیشتر فرقی وجود ندارد، ممکن است شیخ در اتاق خودش روایت را برای شخص بخواند و ممکن است در مسجد در جمع گروهی کثیر بخواند.

همچنین ممکن است شخص مستقیم مخاطب شیخ باشد، یعنی به تنهایی در مقابل شیخ نشسته و روایت را در حالی که خطاب تفصیلی به او متوجه است می‌شنود ولی گاهی در ضمن یک جمع مخاطب واقع شده مثلاً در جمع ۱۰۰ نفر در مسجد نشسته که در این صورت هم مخاطب است ولی خطابی که متوجه او شده اجمالی است. پس فرقی نمی‌کند مخاطب یکی باشد یا بیشتر.

همچنین فرقی نمی‌کند شیخ روایت را از روی کتاب بخواند یا از حفظ بخواند، آنچه مهم است این است که شخص روایت را از خود شیخ بشنود، حال اینکه شیخ روایت را از کتاب مصححی می‌خواند یا از حفظ فرقی در صدق سماع نمی‌کند، البته اگر بخواهیم اینها را با هم مقایسه کنیم شاید فرق داشته باشد بین جایی که از کتاب مصححی بخواند یا از حفظ و یا شخص مخاطب به خطاب تفصیلی باشد یا خطاب اجمالی، حتی ممکن است مخاطب هم نباشد یعنی شخص به مسجد رفته تا نماز بخواند و شیخی روایتی را برای شاگردان خود نقل می‌کند و او هم شنیده است، در این فرض شخص مخاطب شیخ نبوده اما سماع تحقق پیدا کرده است، پس سماع بر همه صوری که ذکر شد صدق می‌کند هر چند ممکن است رتبه آنها با هم متفاوت باشد.

گاهی هم ممکن است سماع با واسطه باشد. منظور از سماع با واسطه این نیست که شخص در مجلس حضور نداشته باشد و دیگری برای او نقل کند بلکه منظور این است که جمعیت مخاطبین شیخ زیاد است و شخص دیگری گفته‌های شیخ را برای دیگران املاء می‌کند مثل اینکه در مورد صاحب بن عباد گفته شده در مجلس روایی او شش نفر بوده‌اند که سخنان او را برای دیگران املاء می‌کرده‌اند یعنی نقش بلندگو را ایفاء می‌کرده‌اند.

تردیدی نیست که سماع با واسطه هم سماع است و طریق دیگری برای تحمل روایت محسوب نمی‌شود و حتی کسی که از طریق واسطه روایت را از شیخ می‌شنود می‌تواند بگوید «سمعتُ منه» یعنی سماع را به خود شیخ اسناد دهد و بگوید از خود شیخ شنیدم.

پس سماع یکی از طرق تحمل روایت و فرقی هم بین سماع مباشر و غیر مباشر نیست فی الجمله و همچنین فرقی بین سماع از این جهت که خطاب تفصیلی به شخص متوجه شده باشد یا خطاب اجمالی وجود ندارد و یا اصلاً مخاطب نباشد، همچنین فرقی نمی‌کند شیخ روایت را از روی کتاب مصحح بخواند یا از حفظ بخواند، یعنی در سماع به عنوان طریق تحمل روایت قید و خصوصیتی غیر از خود سماع اخذ نشده است. البته در سماع، حضور در مجلس شرط است، حاضرین در مجلس می‌توانند مخاطب باشند و می‌توانند مخاطب نباشد لذا سماع شامل غیر مخاطبی که در مجلس حاضر است هم می‌شود اما شامل کسی که غایب است نمی‌شود و در مورد او نمی‌توان گفت روایت را از طریق سماع تحمل کرده است.

سؤال: آیا بر شنیدن از رادیو و تلویزیون هم سماع صدق می‌کند؟

استاد: در صورتی که برای انسان احراز شود که در آنچه می‌شنود هیچ گونه تصرفی از نظر کمی و کیفی صورت نگرفته و به تعبیر دیگر هیچ گونه سانسوری واقع نشده باشد و ما بدانیم آنچه می‌شنویم تمام آن چیزی است که گفته شده است این

گونه شنیدن هم حکم سماع را دارد. البته اینکه آیا در چنین صورتی هم سماع از شیخ بر آن صدق می‌کند خالی از تأمل نیست، گاهی گفته می‌شود من از فلانی شنیدم که فلان سخن را گفت، آنچه به ذهن مخاطب خطور می‌کند این است که شخص در مجلس حضور داشته و آن سخن را شنیده است اما اگر شخص فیلم یا نوار سخنان او را گوش دهد می‌گوید من خودم شنیدم که چنین گفت، پس اگر قرینه‌ای ذکر نشود به ذهن می‌آید که شخص در مجلس حاضر بوده و شنیده ولی وقتی گفته می‌شود از تلویزیون یا رادیو شنیدم سماع خاصی است که سمع به ابزار و وسایل است لذا از این جهت شاید بتوان در آن خدشه کرد و الا در صدق سماع بر آن بحثی نیست لکن سماعی که مورد نظر است سماع از شیخ است به عنوان اینکه شنونده در مجلس حضور داشته و از او شنیده است، پس وقتی می‌گوید خودم شنیدم که این سخن را گفت، ظهور در حضور او در مجلس دارد اما اگر از رادیو و تلویزیون و امثال آن بشنود شاید صدق سماع مورد بحث بر آن صحیح نباشد اما شنیدن از رادیو و تلویزیون به صورت زنده یا شنیدن از تلفن مثل حضور در مجلس تلقی می‌شود لذا می‌تواند بگوید: «سمعت».

اعتبار سماع:

قطعاً این طریق معتبر است و بهترین طریق تحمل روایت است. وقتی خودش سخنی را از شیخ می‌شنود خصوصاً زمانی که این سماع مباشراً باشد نه با واسطه اعراف از دیگران است به روایتی که شنیده لذا در اعتبار این طریق بحثی نیست و در اینکه بهترین طریق تحمل روایت است هم بحثی نیست.

الفاظ سماع:

بیان تحمل روایت به نحو سماع با الفاظ مختلفی صورت می‌گیرد، می‌تواند بگوید: «حدّثنی فلان»، «سمعتُ فلاناً»، «اخبرنی»، «انبأنی» یا بگوید «قال فلان» که همه این عبارات می‌تواند دال بر سماع باشد اگر چه تعبیر «حدّثنی»، «اخبرنی» و «سمعتُ» از سایر تعابیر بهترند. استفاده از این تعابیر هم مختص به سماع مباشری نیست بلکه در سماع با واسطه هم می‌تواند از این الفاظ استفاده کند.

«والحمد لله رب العالمین».